

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده مدیریت و اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی گرایش بانکداری اسلامی

عنوان:

بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی

استاد راهنما:

دکتر سید هادی عربی

نگارنده:

محمد علی کریم زاده

پاییز / ۱۳۹۸

مدیریت تحصیلات تکمیلی
« تمهید نامه اصالت پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد »

اینجناب آقای محمدعلی کریم زاده دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد (ناپیوسته) به شماره دانشجویی ۹۵۱۴۱۵۹۰۲۸ در رشته علوم اقتصادی - بانکداری اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی با کسب نمره ۱۹ با درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متمهید می شوم :

۱) این پایان نامه ارساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام .

۲) این پایان نامه ارساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳) چنانچه بعد از فراغت تحصیل قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه ارساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴) چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیریم و دانشگاه قم مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

محمدعلی کریم زاده
تاریخ و امضاء

گواهی امضاء صحت امضای دانشجو مورد تایید میباشد .
نماینده تحصیلات تکمیلی و ناظر شکلی امیدعلی عاندلی تاریخ و امضاء ۹۸/۷/۹

تقدیم بہ فیلسوف شہید

حسین علیخانی

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این پایان نامه

را به پایان رسانم.

با سپاس و تشکر از استاد فاضل و اندیشمند جناب آقای دکتر سید هادی

عربی به عنوان استاد راهنما، که همواره نگارنده را مورد لطف و محبت

خود قرار داده‌اند.

چکیده

عقلانیت پیش فرض اساسی اقتصاد متعارف محسوب می‌شود و اکثر نظریات اقتصاد جریان اصلی بر اساس این مفهوم ساخته شده است. نگاه اقتصاد متعارف به ماهیت انسان باعث شده است تا هدف و انگیزه رفتار اقتصادی افراد را به بیشینه کردن منفعت تعبیر کند و عقلانیت را بر محور پی‌جویی نفع شخصی تعریف کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی و بیان تفاوت و شباهت در ماهیت، ویژگی‌ها، رویکردها، سطوح و کارکرد عقلانیت در سه مکتب مذکور اقتصادی است. روش انجام کار بر اساس مستندات کتابخانه‌ای، تحلیلی-توصیفی و تحلیلی-تطبیقی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولاً بیشتر ویژگی‌های عقلانیت در اقتصاد متعارف با عقلانیت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد رفتاری متفاوت است و در تقابل با آنها قرار دارد. ثانیاً ماهیت عقلانیت در اقتصاد متعارف ابزاری، در اقتصاد اسلامی ذاتی و در اقتصاد رفتاری فرآیندگرا است. ثالثاً صورت‌بندی رویکردهای عقلانیت در هر سه اقتصاد مشابهت دارد اما در محتوا و کیفیات متفاوت هستند و رابعا سطوح عقلانیت در اقتصاد اسلامی و متعارف در سطوح بینش، ارزش و کنش مشابه به نظر می‌رسند هر چند که کیفیات متفاوتی دارند. نهایتاً آنکه مولفه‌های عقلانیت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد رفتاری نسبتاً به هم شباهت بیشتری دارند و با توجه به اینکه اقتصاد رفتاری از طریق شواهد تجربی موارد نقض فراوان انحراف رفتار انسان از الگوی عقلانیت اقتصاد متعارف را نشان داده، لذا می‌تواند در ترکیب با عقلانیت اسلامی تبیین دقیق‌تر و مناسب‌تری از رفتار انسان داشته باشد.

کلمات کلیدی: عقلانیت، انسان اقتصادی، رفتار عقلانی، پی‌جویی نفع شخصی، مطلوبیت

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۷
۱-۱- مقدمه	۷
۲-۱- بیان مسئله	۷
۳-۱- پرسش های تحقیق	۹
۴-۱- ضرورت انجام تحقیق	۹
۵-۱- اهداف و کاربردهای تحقیق	۱۰
۶-۱- فرضیه های تحقیق	۱۰
۷-۱- شیوه جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها	۱۱
۸-۱- تعریف واژگان و اصطلاحات	۱۱
فصل دوم: ادبیات و پیشینه ی تحقیق	۱۳
۱-۲- مقدمه	۱۳
۲-۲- مبانی نظری	۱۳
۳-۲- پیشینه ی تحقیق	۱۴
فصل سوم: روش شناسی	۲۳
۱-۳- روش تحقیق:	۲۳
۲-۳- شیوه جمع آوری اطلاعات:	۲۳
۳-۳- قلمرو تحقیق:	۲۳
۴-۳- جامعه آماری:	۲۳
فصل چهارم: بررسی عقلانیت در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی	۲۴

- ۲۴-۱-۴- عقلانیت در اقتصاد متعارف ۲۴
- ۲۵-۱-۱-۴- پیشینه‌ی تاریخی و سیر نظری مفهوم عقلانیت در اقتصاد متعارف ... ۲۵
- ۳۴-۱-۲-۴- چیستی و ماهیت عقلانیت در اقتصاد متعارف ۳۴
- ۳۵-۱-۲-۱-۴- مبانی و پیش فرض‌های عقلانیت در اقتصاد متعارف: ۳۵
- ۵۵-۱-۳-۴- رویکردهای عقلانیت در اقتصاد متعارف ۵۵
- ۵۶-۱-۳-۱-۴- رویکرد سازگاری در انتخاب ۵۶
- ۵۸-۱-۳-۲-۴- رویکرد مبتنی بر پی‌جویی نفع شخصی ۵۸
- ۶۰-۱-۴-۴- الگوهای عقلانیت در اقتصاد متعارف ۶۰
- ۶۰-۱-۴-۱-۴- الگوی انسان اقتصادی ۶۰
- ۶۲-۱-۴-۲-۴- الگوی پیشینه‌سازی مطلوبیت ۶۲
- ۶۵-۱-۴-۳-۴- الگوی عقلانیت محدود ۶۵
- ۶۶-۱-۴-۵- سطوح عقلانیت در اقتصاد متعارف ۶۶
- ۶۷-۱-۴-۱-۵- عقلانیت نظری: ۶۷
- ۶۷-۱-۴-۲-۵- عقلانیت عملی: ۶۷
- ۶۸-۱-۴-۶- کارکردها و کاربردهای عقلانیت در اقتصاد متعارف ۶۸
- ۶۹-۱-۴-۱-۶- عقلانیت به عنوان پیش فرض ۶۹
- ۷۰-۱-۴-۲-۶- عقلانیت به عنوان نظریه ۷۰
- ۷۲-۱-۴-۳-۶- عقلانیت به عنوان الگو ۷۲
- ۷۲-۱-۴-۴-۶- مصادیق کاربردها و کارکردها ۷۲
- ۷۴-۱-۴-۷- نقد عقلانیت در اقتصاد متعارف ۷۴
- ۷۴-۱-۴-۱-۷- نقد مبانی، پیش فرضها و ویژگی‌های مفهوم عقلانیت ۷۴
- ۸۱-۱-۴-۲-۷- نقد الگوی انسان اقتصادی و ویژگی‌های آن ۸۱
- ۸۵-۱-۴-۳-۷- سایر نقدهای عقلانیت ۸۵

- ۸۶ ۴-۱-۸- خلاصه و جمع بندی
- ۹۰ ۴-۲- عقلانیت در اقتصاد رفتاری
- ۹۱ ۴-۲-۱- پیشینه‌ی تاریخی و سیر نظری مفهوم عقلانیت در اقتصاد رفتاری ...
- ۹۷ ۴-۲-۲- چیستی و ماهیت عقلانیت و انتخاب در اقتصاد رفتاری
- ۹۸ ۴-۲-۲-۱- پیش فرضهای اقتصاد رفتاری:
- ۱۰۲ ۴-۲-۲- عوامل و ویژگی‌های تاثیر گذار بر تصمیم‌گیری و انتخاب
- ۱۰۷ ۴-۲-۳- رویکردهای عقلانیت در اقتصاد رفتاری
- ۱۰۸ ۴-۲-۳-۱- رویکرد مبتنی بر سازگاری:
- ۱۰۹ ۴-۲-۳-۲- رویکرد مبتنی بر رضایتمندی و روش‌های اکتشافی:
- ۱۱۰ ۴-۲-۳-۳- رویکرد مبتنی بر اطلاعات محدود
- ۱۱۰ ۴-۲-۴- الگوهای عقلانیت در اقتصاد رفتاری
- ۱۱۰ ۴-۲-۴-۱- الگوی انسان تعاملی
- ۱۱۱ ۴-۲-۴-۲- الگوی عقلانیت محدود (حداقل رضایتمندی نسبی)
- ۱۱۳ ۴-۲-۴-۳- روش کشف سریع و باصرفه اکتشافی (میان‌برهای سریع ذهنی)
- ۱۱۴ ۴-۲-۵- سطوح عقلانیت در اقتصاد رفتاری
- ۱۱۵ ۴-۲-۵-۱- عقلانیت ابزاری:
- ۱۱۶ ۴-۲-۵-۲- عقلانیت آیینی (رویه‌ای)
- ۱۱۶ ۴-۲-۵-۳- عقلانیت معنایی
- ۱۱۸ ۴-۲-۶- کاربردها و کارکردهای عقلانیت در اقتصاد رفتاری
- ۱۲۰ ۴-۲-۷- خلاصه و جمع بندی
- ۱۲۴ ۴-۳- عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۲۵ ۴-۳-۱- پیشینه‌ی تاریخی و سیر نظری مفهوم عقلانیت در اقتصاد اسلامی

- ۱۲۶ ۱-۱-۳-۴- پیشینه‌ای مختصر بر اندیشه‌های اقتصادی اسلامی
- ۱۲۷ ۲-۱-۳-۴- عقلانیت اقتصادی در آرای اقتصاددانان مسلمان معاصر
- ۱۳۰ ۲-۳-۴- چیستی و ماهیت عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۳۳ ۱-۲-۳-۴- مبانی و پیش‌فرض‌های عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۳۳ ۱-۱-۲-۳-۴- مبانی و پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی:
- ۱۳۴ ۲-۱-۲-۳-۴- مبانی و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی:
- ۱۳۶ ۳-۱-۲-۳-۴- مبانی و پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی:
- ۱۳۸ ۳-۳-۴- رویکردهای عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۳۸ ۱-۳-۳-۴- رویکرد سازگاری ترجیحات با فقه، اخلاق و ارزشهای اسلامی
- ۱۳۹ ۲-۳-۳-۴- رویکرد مبتنی بر پی‌جویی منفعت فراگیر:
- ۱۴۰ ۳-۳-۳-۴- رویکرد مبتنی بر اطلاعات و شفافیت:
- ۱۴۲ ۴-۳-۴- الگوهای عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۴۲ ۱-۴-۳-۴- الگوی انسان اقتصادی اسلامی
- ۱۴۴ ۲-۴-۳-۴- الگوی عقلانیت فراگیر
- ۱۴۵ ۳-۴-۳-۴- الگوی عقلانیت طیفی اسلامی
- ۱۴۶ ۵-۳-۴- سطوح عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۴۶ ۱-۵-۳-۴- عقلانیت اسلامی در سطح بینش
- ۱۴۷ ۲-۵-۳-۴- عقلانیت اسلامی در سطح ارزش
- ۱۴۷ ۳-۵-۳-۴- عقلانیت اسلامی در سطح کنش
- ۱۴۷ ۶-۳-۴- کارکردها و کاربردهای عقلانیت در اقتصاد اسلامی
- ۱۴۸ ۷-۳-۴- خلاصه و جمع‌بندی
- ۱۵۲ فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۱۵۲ ۱-۵- مقدمه

۱۵۲	۵-۲- بررسی و تطبیق
۱۶۰	۵-۳- نتایج
۱۶۳	فهرست منابع و مآخذ
۱۶۳	منابع فارسی
۱۷۱	منابع انگلیسی

فهرست جدولها

۶-۱- جدول مقایسه ویژگی‌ها، ماهیت، رویکرد سطوح و کارکرد عقلانیت

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

عقلانیت مفهومی میان رشته‌ای و دارای ابعاد و سطوح مختلف است که به طور عام در علوم اجتماعی و به شیوه‌ای خاص در اقتصاد به کار می‌رود. جایگاه عقلانیت در تحلیل اقتصادی، بنیادین و مبنایی است. بدین معنا که علم اقتصاد بر نظامی از پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه‌ای استوار است که اساس نظریه‌های اقتصادی بر این اصول بنا می‌شود. یکی از این اصول و پیش‌فرض‌ها عقلانیت است که اهمیت آن در تجزیه و تحلیل اقتصادی از جنبه‌های مختلفی مانند: انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری علم، ساده‌سازی رفتار انسان، سازگاری با اهداف و ... برخوردار است.

۱-۲- بیان مسئله

مفهوم عقلانیت در اقتصاد متعارف یکی از مهمترین و اصلی‌ترین پیش‌فرض‌ها محسوب می‌شود که مبنای اکثر نظریه‌های اقتصادی بوده و با مفهوم نفع‌شخصی گره خورده است. الگوی انسان اقتصادی^۱ مبتنی بر همین پیش‌فرض فلسفی-انسان‌شناختی است و در صدد است تا رفتار انسان و به تبع آن عاملان اقتصادی را تبیین و پیش‌بینی نماید و نشان دهد که انسان بر اساس نفع خود انتخاب و رفتار می‌کند، به گونه‌ای که اشکال مختلف منفعت، اعم از سود و لذت بیشینه شود. بر اساس مفهوم عقلانیت، مصرف‌کننده‌ی عقلانی به عنوان یکی از عاملان اقتصادی، به گونه‌ای رفتار می‌کند که منفعت و لذت حاصل از مصرف و انتخاب وی بیشینه شود و بنگاه هم در مقام تولید به گونه‌ای تولید را مدیریت می‌کند تا سود بیشینه شود. علاوه بر منفعت، اطلاعات و شفافیت نیز در تکمیل مفهوم عقلانیت در اقتصاد متعارف اهمیت دارد به این معنی که فرض می‌شود برای عاملان اقتصادی، اطلاعات کاملی فراهم است، اطلاعاتی از قبیل: مکان کالا، قیمت‌های حال و آینده، آگاهی از نرخ‌های مبادله و شرایط عرضه و تقاضا.

^۱ Economic Man

رویکرد این نوع از عقلانیت، ابزاری است و به سازگاری ابزار با هدف تمرکز دارد. فرض عقلانیت منجر به ساده‌سازی رفتار انسان در نظریه‌های اقتصادی شده و در نهایت توصیف انسان عقلایی معادل انسان واقعی می‌شود.

اقتصاد رفتاری^۱ در پی آن است که جنبه‌های شناختی و روانشناختی را به تحلیل‌های اقتصادی بیفزاید تا واقع‌نمایی نظریه‌های استاندارد اقتصادی را با اصلاح و تعدیل الگوهای استاندارد افزایش دهد و به درک و شناخت مناسبی از رفتار انسان برسد. این مکتب فرض عقلانیت در رفتار انسان را ناقص و معیوب می‌داند و آن را با واقعیت رفتاری انسان منطبق نمی‌بیند. اقتصاد رفتاری با اصلاح و تعدیل عقلانیت کلاسیک، محدودیت عقلانیت را مطرح می‌کند. محدودیت عقلانیت از محدودیت‌های شناختی، ظرفیتی و محیطی سیستم شناختی و ذهنی انسان در پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری ناشی می‌شود. عقلانیت محدود، محدودیت شناختی و محاسباتی، را برای واقعی‌تر کردن رفتار انسان مطرح می‌سازد و بر فرآیند شناخت ذهن و یادگیری و از طرفی بر پیچیدگی محاسبات و کرانمندی ظرفیت‌های پردازشی مغز تاکید می‌کند. اقتصاد رفتاری رسالت خود را در به چالش کشیدن اصل موضوعه^۲ اقتصاد یعنی عقلانیت می‌داند که از دید اقتصاددانان بدیهی انگاشته می‌شود. با این حال، از منظر اقتصاد رفتاری هیچ فرضی مسلم انگاشته نمی‌شود مگر بر اساس وجود شواهدی که آن را تایید نماید. عقلانیت اقتصادی مهمترین پیش‌فرض اساسی جریان اصلی اقتصاد است که تحت بررسی اقتصاد رفتاری جرح و تعدیل شده است. اقتصاددانان رفتاری در سالهای اخیر با تلفیق علم روان‌شناسی و اقتصاد در تلاشند تا رفتار اقتصادی انسان را تحلیل کنند و تلقی اقتصاد متعارف از عقلانیت را به چالش بکشند و در این مسیر نتیجه گرفته‌اند که بر خلاف فرض عقلانیت، حالت عمومی و پیش فرض انسان در تصمیم و انتخاب بر اساس احساسات و عواطف است.

در اسلام عقل و عقلانیت جایگاه ویژه‌ای دارد و از مواهب الهی محسوب می‌شود. عقل یکی از منابع معرفتی معتبر در اسلام است. با این حال تعبیری که از عقلانیت می‌شود با عقلانیت خودبنیاد غربی تفاوت دارد. اسلام عقل را به تنهایی و جدای از وحی برای سعادت و هدایت کافی نمی‌داند. اهمیت پرداختن به عقلانیت از منظر اسلام از این حیث ضرورت دارد که ماهیت و سرشت انسان از دیدگاه وحی مبنایی فراهم می‌سازد تا در باب تصمیم‌گیری و عقلانیت انسان بر اساس آموزه‌های اسلامی نظریه‌پردازی شود. به تعبیر دیگر اقتصاد اسلامی برای آنکه بتواند بر اساس آموزه‌های وحی رفتار اقتصادی انسان را تبیین کند به مبنا و پیش‌فرضی مستحکم در مورد رفتار اقتصادی افراد نیازمند است. علاوه بر این نیاز به عقلانیت اسلامی در سایر رشته‌های علوم

^۱ Behavioral Economics

^۲ Axiom

انسانی برای تاسیس رویکردی جدید بر پایه‌ها و مبانی اسلامی احساس می‌شود. اقتصاددانان مسلمان به عقلانیت در اقتصاد متعارف انتقاداتی دارند از جمله اینکه: منفعت‌گرایی شخصی را محدود به منفعت مادی نمی‌دانند و دیگر اینکه منفعت تنها به شخص تصمیم‌گیرنده مربوط نیست بلکه ممکن است انسان در انتخاب و رفتار، منفعت دیگری و رضای خداوند را نیز در نظر گیرد. برخی از اقتصاددانان مسلمان رفتار عقلانی انسان مسلمان را این‌گونه تعریف کرده‌اند که رفتاریست که با شریعت اسلام سازگار باشد و به منظور بیشینه کردن سرجمع لذت‌های دنیوی و اخروی انجام شود (خورشید، ۱۳۷۸، ص. ۳۲۴). به نظر می‌رسد عقلانیت مورد نظر اسلام، جامع و فراگیر باشد، به صورتی که هم عقل نظری و هم عقل عملی را در بر گرفته و هم شامل جنبه‌های مختلف لذت در ابعاد مادی، معنوی و اخروی شود و علاوه بر داشتن نقش ابزاری، در گزینش اهداف هم نقش داشته باشد. در نتیجه ضروری است برای طرح ریزی و تدوین اقتصاد اسلامی به بازتعریف و تبیین دقیق مفهوم عقلانیت به عنوان مبنای معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و پیش‌فرض اقتصاد اسلامی پرداخت. با توجه به اهمیت منطقی مفهوم عقلانیت به عنوان یک پیش‌فرض مهم و اساسی در علم اقتصاد از یک سو، و از سوی دیگر به دلیل وجود ابعاد و خوانش‌های گوناگون برحسب مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی هر نظام و مکتب اقتصادی، این مفهوم محل نزاع و چالش جدی میان اقتصاددانان است. لذا مسئله‌ی اصلی این تحقیق، تبیین ابعاد مختلف مفهوم عقلانیت، بررسی، تطبیق، مقایسه و تحلیل آن در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی می‌باشد.

۱-۳- پرسش‌های تحقیق

- ۱- تفاوت‌های عقلانیت (ماهیت، ویژگی‌ها، سطح، کارکرد، رویکرد) در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری، اقتصاد اسلامی چیست؟
- ۲- نقاط مشترک عقلانیت (ماهیت، ویژگی‌ها، سطح، کارکرد، رویکرد) در اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری، اقتصاد اسلامی چیست؟
- ۳- کدام خوانش از عقلانیت می‌تواند تبیین کامل‌تر و واقعی‌تری از رفتار انسان و عوامل اقتصادی داشته باشد؟ (منظور از انطباق بیشتر عقلانیت با رفتار انسان، با توجه به روش‌شناسی تحلیلی-توصیفی می‌باشد و نه روش‌شناسی کمی و بررسی میدانی)

۱-۴- ضرورت انجام تحقیق

عقلانیت از مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی و از پیش‌فرض‌های اساسی علم اقتصاد است. تحول و تغییر مبانی یک علم باعث تغییر محتوای نظریات هر علم می‌شود. از آنجا که خوانش

اصلی از مفهوم عقلانیت در اقتصاد متعارف محل نزاع فراوان است، لذا ضرورت دارد که بررسی تحلیلی-تطبیقی میان خوانش های متفاوت از عقلانیت صورت گیرد و تعریف کامل تر و واقعی تری از آن ارائه گردد. از طرف دیگر طرح تحول علوم انسانی با رویکردی اسلامی و بومی در ایران مستلزم آن است که مبانی لازم برای این علوم، مطابق با آموزه های وحیانی دین اسلام طراحی و تدوین شود و اقتصاد اسلامی نیاز دارد که مبانی معرفتی مناسب و واقعی برای توضیح رفتار اقتصادی انسان مسلمان داشته باشد. این مطلب ضرورت تحقیق و پژوهش در باب عقلانیت مقبول در اقتصاد اسلامی را مضاعف می سازد.

اگر تحقیقات جامع و نظری پیرامون عقلانیت در اقتصاد صورت نگیرد، پر واضح است که این مفهوم بنیانی در علم اقتصاد، همچنان در معرض انتقادات اقتصاددانان قرار خواهد گرفت و در نتیجه، مبنای صحت و راستی نمایی نظریه های مختلف اقتصادی را تهدید خواهد کرد. از طرفی دیگر، امکان تکامل و تصحیح مبانی علوم انسانی به ویژه اقتصاد در شرایطی مقدور است که حداکثر تطابق با رفتار واقعی انسان را داشته باشد، در غیر این صورت این مبانی در سطح همان الگوهای ساده سازی شده باقی می ماند و در نتیجه علوم انسانی در رصد پیچیدگی ها و دشواری های رفتار انسان ناتوان باقی می ماند.

۱-۵- اهداف و کاربردهای تحقیق

اهداف شناختی پژوهش پرسش های اصلی تحقیق هستند که پیش تر به آنها اشاره شد. در کنار این اهداف، می توان اهداف دیگری از قبیل: تهیه مبانی و پیش فرض های لازم برای دانش اقتصاد اسلامی، کمک به شکل گیری اقتصاد مبتنی بر شرایط بومی-ملی و طراحی الگوی اقتصاد منطقه ای بومی نام برد.

۱-۶- فرضیه های تحقیق

از آنجا که ماهیت و نوع پژوهش اکتشافی می باشد و ما در این تحقیق در پی آزمون فرضیه خاصی نیستیم بنابراین نیاز به فرضیه یا فرضیات مشخص ندارد. مسئله اصلی پژوهش، بررسی مفهوم عقلانیت در سه مکتب اقتصادی و ارائه خوانشی جامع، واقعی و معتبر از عقلانیت است. با توجه به پیشینه ی تحقیق می توان گفت: خوانشی از عقلانیت مفید علم اقتصاد است که در بردارنده ی کلیه ی وجوه عقل عملی و نظری باشد، بتواند با ابعاد مختلف انسان سازگار باشد، مفهوم

گسترده‌تری از عقل را شامل شود و علاوه بر تعیین بهترین مسیر رسیدن به هدف، در نوع و انتخاب اهداف نیز همکاری کند. چشم انداز و نتیجه‌ی احتمالی پژوهش، به نظر می‌رسد عقلانیتی است که مورد تایید اسلام است و با تاکید بر رویکرد روانشناختی اقتصاد رفتاری از نظر واقع‌نمایی تقویت شده و با در نظر گرفتن ارزش‌های مختلف اعم از مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و با دربرگرفتن مفاهیمی مانند وحی، تعهد، مسئولیت، نوع دوستی تعریف شود.

۷-۱- شیوه جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به اهداف و پرسش‌های تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی و تحلیلی-تطبیقی استفاده شده است.

۸-۱- تعریف واژگان و اصطلاحات

- عقلانیت: عقلانیت و رفتار عقلانی مشترک لفظی هستند. در اقتصاد قبل از ورود به مسائل، ابتدا فرض می‌شود که افراد دارای رفتار عقلانی هستند. هر چند رفتار عقلانی پیشفرض بسیاری از علوم انسانی به حساب می‌آید اما جلوه‌ی آن در اقتصاد آشکارتر است. از آنجا که در عقلانیت سخن از محاسبه و سنجش است و اقتصاد هم با کمیاتی سر و کار دارد که قابل محاسبه و سنجش است. در اقتصاد، عقلانیت، ابزار تصمیم‌گیری انسان برای رفتارهای اقتصادی در یک چارچوب خاص است و رفتار عقلانی، رفتاری است که دارای دو ویژگی باشد: اول این که رفتار حساب شده و سنجیده انتخاب شود و دوم این که رفتار روشمند و پیشبینی پذیر باشد. (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص. ۳۳)
- اقتصاد: رفتار خاص انسان است که با خواستن، ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف همراه باشد و بیشترین موفقیت را برای او حاصل کند (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۳۷-۳۹).
- اقتصاد متعارف: جریان اصلی یا اقتصاد ارتدوکس عموماً به آن چیزی اشاره دارد که از آن به عنوان معاصرترین مکتب فکری مسلط یاد می‌کنند؛ مکتبی که امروزه "اقتصاد نئوکلاسیک" نامیده می‌شود (کولاندر و سایرین، ۲۰۰۳، ص. ۴۹۰).
- اقتصاد رفتاری: اقتصاد رفتاری شاخه‌ای از اقتصاد است که با یک رویکرد بین رشته‌ای، درصدد است تا بنیان‌های نظری، دستاوردها و ابزارهای سایر شاخه‌های علوم اجتماعی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی را با اقتصاد پیوند داده و بر این اساس

ضمن اصلاح فروض اقتصاد متعارف، نظریات واقع‌گرایانه‌تری را برای بررسی جنبه‌های مختلف اقتصادی ارائه نماید. در نهایت نیز بر اساس این نظریات پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از تحولات اقتصادی صورت پذیرفته و سیاست‌های مناسب‌تری نیز ارائه گردد (رهبر و سایرین، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۷).

- اقتصاد اسلامی: مجموعه گزاره‌های خبری که اولاً تجربه‌پذیرند، ثانیاً بصورت نظام‌مند حول یک موضوع مشخص شکل گرفته‌اند، و ثالثاً بر اساس آموزه‌های اسلامی هستند. عنوان اقتصاد اسلامی می‌تواند پسوند حقوق، مکتب و علم قرار گیرد (آفانظری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۲-۱۸۳).

فصل دوم: ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱- مقدمه

در این فصل ابتدا تاریخچه‌ی نظریات مربوط به عقلانیت اقتصادی بررسی و پس از تقسیم‌بندی نوعی نظریات، پیشینه‌ی تحقیقات انجام شده در سه حوزه‌ی اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و اقتصاد اسلامی در داخل و خارج، طرح می‌گردد.

۲-۲- مبانی نظری

پس از رنسانس و با آغاز دوران مدرن، عقل به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی دوران جدید مطرح شد و به تبع آن ضرورت پرداختن و بکارگیری عقل در علم برای تصرف در طبیعت، از محورهای اصلی تمدن نوین غرب در نظر گرفته شد. رنه دکارت^۱ از بنیان‌گذاران فلسفه جدید، و بانی مکتب خردگرایی^۲ عقیده داشت که تنها از راه عقل است که شناخت حقیقی صورت می‌گیرد. مراد دکارت از عقل، عقل ریاضی بود و او می‌خواست عالم را تبیین ریاضی کند زیرا بر این باور بود که تحصیل یقین از این روش ممکن است. دکارت دو فرض را مسلم می‌گیرد: ۱- تمام انسان‌ها عقلشان از نظر ساختار یکسان است. ۲- انسان با عقل خویش می‌تواند به حقیقت برسد (خاتمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱). عقل دکارتی پس از تلفیق با تجربه از طریق کانت و پس از تثبیت مدرنیته وارد علوم اجتماعی شد و در هر رشته معنای اصطلاحی خاص خود آن رشته را پیدا کرد. با گسترش نظرات دکارت در انگلستان از طریق لاک و هیوم، این خوانش از عقل به اقتصاد و مکتب اخلاق اسکاتلند نیز وارد شد (مینی، ۱۳۷۵، ص. ۲۶). در عصر جدید با محوریت انسان در قالب اومانسیم و پیشرفت علم، عقل به عنوان تنها منبع شناخت معتبر معرفی شد. با پیشرفت تخصصی علوم، علمی که روزگاری در جهان قدیم و مدرسی با وحدتی فراگیر در ذیل الهیات تعریف می‌شدند به تدریج در حال تفکیک قلمروهای خود بودند.

^۱ René Descartes (۱۵۹۶-۱۶۵۰)

^۲ Rationalism